

سنجش نقش عوامل اجتماعی بر مشارکت شهروندان در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: شهر بیرجند)

آرش علیزاده بیرجندی

دانشجوی دکتری گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

کتایون علیزاده

دانشیار گروه جغرافیا، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)

حمید جعفری

دانشیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

چکیده

مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی فعالیت‌های شهری، یکی از عناصر کلیدی حکومت دموکراتیک بوده است که می‌تواند در ایجاد توازن بخشی بین بخش‌های مختلف جامعه، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. هدف مطالعه حاضر سنجش نقش عوامل مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است و با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند در زمره تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش‌های تجزیه و تحلیل آماری می‌باشد. روش گردآوری داده‌ها در این پژوهش؛ کتابخانه‌ای و میدانی است. لذا در امر تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده، ابتدا با استفاده از آزمون اسمیرنوف-کولموگروف، نرمال یا غیرنرمال بودن متغیرها و داده‌های حاصله آزمون گردید که همگی سطوح معناداری بالای ۰/۰۵ بدست آمد که نشان از نرمال بودن داده‌ها است. برای تحلیل هر کدام از عوامل تاثیرگذار از آزمون همبستگی پیرسون، آزمون t تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس و برای رتبه‌بندی محلات به لحاظ میزان مشارکت از تکنیک ویکور استفاده گردید. نتایج نشان داد که میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری اندک‌وناکافی است و بیشترین عامل موثر در افزایش مشارکت مردم در طرح‌های بازآفرینی این بافت‌ها؛ مولفه شفافیت و اعتمادسازی است. همچنین تفاوت معناداری بین مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد بیرجند با نوع جنسیت، تاهل، تحصیلات، سن، نوع شغل، نوع مالکیت، سابقه سکونت، وضعیت اقتصادی و وضعیت اجتماعی وجود دارد. سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با تکنیک VIKOR نشان داد که محلات جوانیه و کارگران در وضعیت مطلوب و محلات چهاردرخت و هفده‌شهریور در وضعیت نیمه‌مطلوب و محله ته‌ده و موسی‌بن‌جعفر در وضعیت نامطلوب قرار گرفته‌اند.

کلمات کلیدی: مشارکت اجتماعی، بازآفرینی، بافت ناکارآمد، شهر بیرجند

مقدمه

در دهه های اخیر رشد شتابان شهرنشینی، توسعه و گسترش بی رویه شهرها، تنگناها، معضلات و پیچیدگی هایی را به همراه داشته است (بحرینی و همکاران، ۱۳۹۳). این امر از طریق افزایش روند شهرگرایی و پیچیده تر شدن جامعه شهری در دهه های اخیر، از جمله عواملی هستند که ضرورت و اهمیت مشارکت شهروندان در مدیریت و طرح های شهرها را بیش از پیش مورد توجه قرار داده و در واقع مشارکت شهروندان از پیش نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه ها و به ثمر رسیدن تلاش های مدیران شهری شده است. به گونه ای که مساله مشارکت شهروندان و استفاده از قابلیت های آنها در پویایی فضاهای شهری از جمله مباحثی است که در دهه های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته است (فرجی و همکاران، ۱۳۹۹). هم چنین مشارکت جامعه از یک سو، کاهش هزینه ها در جمع آوری اطلاعات از سوی دیگر، سبب ساز تعیین راهکارها، توافق، تدوین قوانین، هماهنگی اعضای جامعه، نظارت و اعمال بهتر قوانین می شود (صالح پور جم و همکاران، ۱۳۹۹). در این میان؛ بافت ناکارآمد شهری، به عنوان بیماری شهری شناخته شده؛ به صورتی که شهر یا بخشی از یک شهر که قبلا فعال بوده، به مرور زمان در معرض خرابی و کمبود قرار می گیرد (ایزدفر و رضایی، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر، مراد از ناکارآمدی همان فرسودگی و کاهش کارایی بافت نسبت به میانگین بافت های شهری مکان مورد بررسی است، در واقع بافت ناکارآمد شهری بیانگر شرایط بد اجتماعی، اقتصادی، کالبدی، مسکونی، خدماتی و غیره بافت شهری است (نوری ده بزرگ و همکاران، ۱۳۹۸). در این بین؛ مشارکت عمومی به طور گسترده ای نقش بسیار مهمی در تسهیل بازآفرینی شهری در این بافت ها داشته است. دولت ها توجه بیشتری به مشارکت عمومی در بازآفرینی شهری (به ویژه در بافت های ناکارآمد شهری) دارند و مردم نیز به دلیل منافع خود مشارکت می کنند (Li & et al, ۲۰۲۰). بازآفرینی محله های شهری، که بعد از دهه ۱۹۸۰ به ابزاری برای سیاست شهری تبدیل شده است، تنها با استناد به پیشرفت فیزیکی شهرها قابل توضیح نیست. بازآفرینی شهری شامل همه جنبه های اساسی توسعه شهری است (Korkmaz and Balaban, ۲۰۲۰). رهیافت بازآفرینی شهری توسعه اقتصادی و گسترش رقابت، ارتقای پایداری محیط ساخته شده، افزایش هویت فرهنگی، کیفیت زندگی شهروندان و ارتقای مدیریت شهری در نواحی فرسوده، نابسامان و متروک شهری است (ایزدی و همکاران، ۱۳۹۹). بازآفرینی شهری فرآیند توسعه ای همه جانبه در عرصه های اجتماعی، اقتصادی، محیطی و کالبدی به منظور ارتقای کیفیت زندگی در محدوده ها و محله های هدف بررسی در پیوند با کل شهر است (فنی و همکاران، ۱۳۹۹). هم چنین، برنامه های بازآفرینی با هدف بهبود شرایط اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی برای یک مکان خاص انجام می شود. این اقدامات برای بهبود کیفیت تأمین مسکن، محیط ساخته شده و سایر امکانات محلی، همچنین از طریق سرمایه گذاری در حمل و نقل یا سایر زیرساخت ها انجام می شود (Albanese & et al, ۲۰۲۰). لذا لزوم بازآفرینی در بافت های فرسوده و ناکارآمد که نسبت به سایر بافت های پیرامونی خود، دچار کاهش کارایی شده اند، امری ضروری است (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹).

به طور کلی بازآفرینی شهری در برگیرنده شبکه‌ای از اقدامات و برنامه‌های منعطف در مقیاس‌های مختلف فضایی و در مسیر اهداف توسعه پایدار است و در تمام سطوح مشارکت حداکثری تمامی کنشگران و ذی-نفعان به ویژه مردم را به همراه دارد که اهداف آن کاهش آسیب‌های اجتماعی، یکپارچگی شبکه‌های شهری، پیش‌نگری و پیشگیری از بازتولید فقر، کاهش فقر شهری، ارتقاء هویت شهری و منزلت مکانی، افزایش تاب‌آوری شهرها، ارتقاء حکمروایی شهری، حفاظت پایدار از میراث ملموس و غیرملموس و حفاظت از زیست‌بوم‌ها می‌باشد (مودنی و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، رویکرد بازآفرینی به بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و محیطی و غیره شهر (خاصه بافت‌های ناکارآمد شهری) توجه دارد و طیف وسیعی از فعالیت‌ها را بیان می‌کند که قابلیت زیست‌جدیدی به مناطق مضمحل، ساختمان‌های پاکسازی شده، زیرساخت‌ها و ساختمان‌های تحت بازسازی می‌دهد که به پایان عمر مفیدشان رسیده‌اند؛ زیرا نگرش کلیدی در بازآفرینی به معنا عام یعنی وضعیت کلی شهر و مردم بهبود یابد (فیروزی و همکاران، ۱۳۹۸). علاوه بر اینها؛ اگرچه بازآفرینی شهری مجموعه‌ای از توصیف-گرهای نرم را در برگرفته است، اینها به رفع تنش بنیادی میان عدالت اجتماعی محلی و رقابت اقتصادی جهانی نیز کمک نمی‌کند (Shaw and Butler, ۲۰۲۰ به نقل از ویسی و همکاران، ۱۳۹۹) و نخستین اثر اصلی چنین سیاست‌هایی بهبود کیفیت زندگی ساکنان در محلات مذکور است (Ibid, ۲۰۲۰). لذا می‌توان بیان داشت که نظارت بر بازآفرینی و بازسازی بافت‌های ناکارآمد شهری به نظارت بر خروجی مشارکت اجتماعی در این بافت‌ها دارای اثرات تحول آفرین بر ساختار همه جانبه آحاد جامعه هدف در این محلات خواهد شد و به نوعی نشان‌دهنده اهمیت عوامل اجتماعی مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری است.

بیان مساله

گسترش شتابان شهرنشینی باعث افت منزلت اجتماعی و بی‌توجهی به ارزش‌های فرهنگی و موجب گسترش محلات ناکارآمد شهری شده است (باستانی و حنایی، ۱۳۹۹). در واقع این مشکلات با تأثیرگذاری بر تمامی جنبه‌های شهرنشینی، روابط منطقی زندگی شهری را نابسامان نموده و کیفیت کلی و قابلیت زندگی در آنها را به شدت کاهش داده و همین‌طور زمینه ناپایداری در آنها را فراهم کرده است (وارثی و همکاران، ۱۳۹۱) و بسیاری از شهرها دچار رکود حیات اجتماعی-اقتصادی هستند که منجر به کاهش جذابیت در آنها شده است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۸) و از آنجایی که رشد جمعیت شهرنشین در ایران نیز طی دهه‌های اخیر سریع بوده و این روند افزایشی جمعیت شهرنشین ادامه خواهد داشت، به‌گونه‌ای که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۱۴۰۰، بیش از ۷۵٪ جمعیت در شهرها ساکن شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). چنین روندی موجب شده شهرهای ایران به صورت ناپایدار و ناکارآمد شکل بگیرند. ناکارآمدی یک فرآیند فزاینده، رو به زوال و دارای اثرات تجمعی با رابطه بازخوردی میان وجوه کارکردهای شهری است که موجب آسیب‌پذیری شهر و مستعد کردن آن تا ابتلا به بحران و ایجاد عدم تعادل در سطوح و وجوه متفاوت شهر می‌شود (شرکت

بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۶). امروزه اغلب شهرها و به ویژه در شهرهای با پیشینه کهن و سابقه تاریخی، بخش قابل توجهی از شهر را بافت‌های ناکارآمد که هسته حیات شهرها تلقی می‌شود، تشکیل می‌دهد. این بافت که در فرایند زمانی طولانی شکل گرفته و تکوین یافته و امروزه در محاصره فناوری عصر حاضر گرفتار شده است، چنانچه این بافت در گذشته به مقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله-مراتبی بوده، ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آن گونه که باید و شاید نمی‌تواند جوابگوی نیاز ساکنان خود باشد (stryjakiewicz, ۲۰۱۸). ماهیت ویژه بافت ناکارآمد شهر، هر گونه بی‌توجهی به آن را از جهات مختلف بی-اعتبار می‌سازد (نوری ده بزرگ و همکاران، ۱۳۹۸). به گونه‌ای که این بافت‌ها از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های نهان بسیاری برخوردارند که اگر به فعلیت برسند می‌توانند در فرآیند توسعه شهر به عنوان نیروی محرک استفاده شوند (ضرابی و تهرانی، ۱۳۸۸). در این راستا رویکردهای مرمت و بهسازی شهری در سیر تحول و تکامل خود از بازسازی، باز زنده سازی، نوسازی و توسعه مجدد به بازآفرینی و نوزایی شهری تکامل یافته و در این مسیر، گذاری را از حوزه‌ی توجه صرف به کالبد به عرصه‌ی تاکید بر ملاحظات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و هنری تجربه کرده‌اند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۹) و در ادامه تحولاتی که از دهه ۱۹۶۰ آغاز گردیده بود، مقوله جدید و تاثیرگذاری به عرصه اقدامات شهری وارد گردید که تحت عنوان نظریه بازآفرینی شهری، طیف وسیعی از طرح‌ها را در مناطق مختلف دربرگرفت (زنگی‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳). رویکرد بازآفرینی شهری، یک راهبرد یکپارچه از فرآیند تصمیم‌سازی ارائه می‌دهد که فراگیر، رقابت‌آمیز و از لحاظ محیطی پایدار است (Luda, ۲۰۰۳). هم چنین به عقیده کوچ بازآفرینی از آرمان‌ها و دستاوردهای بازآفرینی که به صورت فرایندی از تغییرات کالبدی اساسی دیده می‌شود و تجدید حیات شهری که هر گاه نیاز به اقدام را پیشنهاد می‌دهد، در تدقیق یک رویکرد با شکست مواجه می‌گردد و بسیار فراتر حرکت می‌کند (احمدی و همکاران، ۱۳۹۸).

بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری می‌تواند زمینه‌ساز توسعه درونی شهرها و حفظ و احیای کالبدی و اجتماعی - فرهنگی آن‌ها باشد و از تخریب طبیعی، از یک سو و ویرانگری برنامه‌ریزی شده توسط سودجویان، از سوی دیگر، جلوگیری کند. در واقع، بازآفرینی ابزاری برای بهبود کیفیت زندگی آینده فضاهای شهری است. فرایند بازآفرینی اقدامی گسترده، ادامه‌دار و مشکل‌ولی غیرممکن نیست و برای هر فضای شهری ضروری است (فنی و همکاران، ۱۳۹۹). این راهبرد برمبنای سیاست توسعه درون‌زای شهری بوده و اعتقاد بر این است که شهرهای موجود کشور از طریق توسعه درونی، می‌توانند پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم، از جمله ارتقاء سرانه‌های خدمات شهری، دسترسی به امکانات زیربنایی می‌باشند و تا زمانی که در شهر ظرفیت لازم وجود دارد، استفاده از سایر سیاست‌های توسعه شهری، تحمیل هزینه‌های اضافه بر مردم و دولت است. توسعه درون‌زای شهری، بر خلاف سایر سیاست‌های توسعه شهری، سعی در استفاده از تمامی توان‌ها و

ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل موجود در سطح شهر برای رسیدن به شهری پایدار و مشارکتی است (آیینی و اردستانی، ۱۳۸۸). در مساله ساماندهی بافت‌ها توجه به نقش مردم (رویکرد مشارکتی و عوامل اجتماعی آن) برای پیش‌برد اهداف بسیار مهم است و در واقع یکی از پیشرفت‌های بنیادین، مشارکت وسیع عموم مردم در تصمیم‌گیری است. مشارکت کامل تنها در جایی تحقق می‌یابد که مردم بتوانند نقش فعال در فرآیند تهیه طرح بر عهده بگیرند (Gans, ۱۹۸۴). هسته مرکزی مفهوم مشارکت، قدرت یافتن شهروندان و تاثیرگذاری بیشتر آنها در طرح‌های شهری است. اما متأسفانه آنچه در حال حاضر در طرح‌هایی با عنوان مشارکتی در کشور اجرا می‌گردد، به هیچ وجه ناظر بر این مفهوم نبوده است. در واقع مشارکت شهروندان، شامل تمامی مراحل پروژه از برنامه‌ریزی، طراحی، اجرا، نظارت و بهره‌برداری می‌شود (مرادی، ۱۳۹۵). در متن این بررسی نیز، مشارکت اجتماعی به عنوان یک مفهوم چند بعدی شامل چندین جنبه اصلی تعریف شده است (Mamas & et al, ۲۰۲۰). بنابراین، مشارکت جامعه یک عنصر بسیار مهم برای حل مشکل شهری و کمک به بازسازی و بازآفرینی طولانی مدت است (kim & et al, ۲۰۲۰). از این رو، با وجود تاکید فراوان، جای مشارکت شهروندان یا به عبارت گسترده‌تر مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری خالی است. در این بین، محدوده شهر بیرجند به دو منطقه اصلی شهری تقسیم‌بندی شده که هر کدام از مناطق، نواحی و محلات کوچکتری را دربرگرفته‌اند. منطقه یک شهری در سمت شمال شهر واقع شده است که هسته اولیه شهر (محل چهار درخت) و بسیاری از بافت‌ها و عناصر تاریخی و با ارزش مانند مدرسه شوکتیه که سومین مدرسه آموزش به سبک جدید (بعد از دارالفنون و رشديه) در کشور است را در دل خود جای داده است. لذا؛ به منظور عملیاتی شدن و در جهت تحقق بعد کاربردی پژوهش، شش بافت ناکارآمد واقع در منطقه یک شهر بیرجند با مساحت حدود ۳۹۰ هکتار که شامل محلات موسی‌بن‌جعفر، کارگران، جوادیه، هفده شهریور، ته ده و چهار درخت (میون ده) می‌باشد، به عنوان محدوده مورد مطالعه انتخاب گردیده است که از معضلات و ناکارآمدی‌های بافت شهری بیرجند که لزوم برنامه‌ریزی همه جانبه برای بازآفرینی به خصوص لزوم مشارکت اجتماعی آحاد جامعه را برای بازآفرینی این بافت‌ها را می‌طلبد. لذا در راستای مباحث مطرح شده، مساله اصلی این پژوهش این است که عوامل مشارکت اجتماعی چه نقشی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد منطقه یک شهر بیرجند دارند تا بتوان از آنها استفاده بهینه را کرد.

پیشینه پژوهش

اثر علمی بر شالوده آثار دیگران آفریده می‌شود تا با مطالعه آثار دیگران بتواند دامنه مسئله تحقیق را محدود و صورت‌بندی جدیدی نماید و متغیرهای مهم را درجه‌بندی نماید. در این میان، نظریات و دیدگاه‌های بهسازی و بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد و فرسوده شهری غالباً در ۱۵۰ سال اخیر از طرف نظریه‌پردازان به نامی همچون جان

راسکین^۱ (۱۸۱۸ - ۱۹۰۰)، کامیلوسیتته^۲ (۱۸۴۳ - ۱۹۰۳)، پاتریک گدس^۳ (۱۸۵۴ - ۱۹۳۲)، لوکوربوزیه^۴ (۱۸۸۷ - ۱۹۶۵)، لوئیس مامفورد^۵ (۱۸۹۵)، کوین لینچ^۶ (۱۹۱۸ - ۱۹۹۱)، روث گلاس^۷ (۱۹۱۲ - ۱۹۹۰)، جین جیکوبز^۸ (۱۹۱۶ - ۲۰۰۶) ارائه شده است. این پژوهش در بطن خود دو مبحث اساسی مشارکت و بازآفرینی در بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند را بیان می‌کند. لذا نظر به موارد بیان شده به بیان چند مورد از مهم‌ترین مطالعات صورت گرفته پرداخته می‌شود.

^۱ John Ruskin

^۲ Camillo Sitte

^۳ Patrick Geddes

^۴ Le Corbusier

^۵ Lewis Mumford

^۶ Kevin A. Lynch

^۷ Ruth Glass

^۸ Jane Jacobs

جدول ۱: نمونه از مطالعات پیشینه‌ای

ردیف	نویسنده	خلاصه و نتایج
۱	رشیدی‌نیا (۱۳۹۶)	نتایج پژوهش نشان داد که به طور کلی ساکنین محدوده مورد مطالعه تمایل چندانی به مشارکت و همکاری با سازمان‌های مسئول در فرآیند بازآفرینی نداشته و نیز اعتماد آنان نسبت به اقدامات و سیاست‌های بخش حاکمیتی در سطح پایینی قرار دارد.
۲	فیروزی و همکاران (۱۳۹۸)	رویکرد به مدیریت یکپارچه بازآفرینی شهری پایدار زمانی محقق می‌شود که روابط متقابل کنشگران این فرایند با یکدیگر به صورت آگاهانه و براساس تعامل و گفتگو و اعتماد متقابل باشد و از سوی دیگر نظام رسمی میان کنشگران اجتماع مدار، یکپارچه و متکی بر بسترهای نهادی باشد.
۳	صفایی پور و دامغان باغ (۱۳۹۸)	مولفه بازآفرینی اقتصادی بافت فرسوده مرکزی اهواز حائز بیشترین وزن نسبی است و بازآفرینی فرهنگی در رتبه دوم اهمیت قرار دارد و مولفه بازآفرینی زیست محیطی با اولویت کمتری ارزیابی شده است. بنابراین از نظر کارشناسان شهر اهواز، بازآفرینی اقتصادی دغدغه اصلی برای اقدام به بازآفرینی در این بافت است.
۴	ایزدفر و رضایی (۱۳۹۹)	عوامل کلیدی موثر آینده بازآفرینی شهر یزد در افق ۱۴۱۴ شامل تحریم های بین المللی، نهادهای اجتماعی و مدنی، تورم، نهادهای موازی در اغلب بخش های حاکمیتی، تمرکز اداره ها و مراکز دولتی در پایتخت، عملکرد دستگاه های نظارتی و بازرسی، سرمایه گذاری داخلی و خارجی، فناوری های نوین و بحران نظام اداری و مالی است.
۵	هاشمی و علیمردانی (۱۳۹۹)	نگاه ما در ایران باید به بررسی و تبیین چگونگی استخراج روش های بازآفرینی از بستر میراث تاریخی ایرانی - اسلامی، متمرکز باشد.
۶	فنی و همکاران (۱۳۹۹)	عامل مدیریتی دارای بالاترین اثرگذاری در روند بازآفرینی بافت و عامل زیست محیطی دارای کمترین اثرگذاری است.
۷	زارع و همکاران (۱۳۹۹)	بین حس تعلق و مدت اقامت در محله و میزان مشارکت در پایداری اجتماعی محله رابطه معناداری وجود دارد و همچنین شاخص های حس تعلق به محله، اعتماد بین ساکنین محله، بهسازی و نوسازی بافت فرسوده محله و رضایت از محله دارای ارتباط مستقیم و نیز شاخص های شرکت در فعالیت های جمعی، توجه به منافع ساکنین محله، همگرایی اجتماعی ساکنان و مشارکت ساکنان دارای ارتباط غیرمستقیم با پایداری اجتماعی محله است.
۸	مارتی ^۱ و همکاران (۲۰۱۹)	همپوشانی داده های بدست آمده از بهره برداری محل مبتنی بر شبکه های اجتماعی در بازآفرینی شهری نسبت به بازآفرینی هایی که سابقا به یک منبع و داده واحد متکی بودند نسبتا غنی تر و موثر تر هستند.
۹	آلبانسه و همکاران (۲۰۲۰)	پروژه های بازآفرینی شهری می توانند رشد اقتصادی محلی را در کوتاه مدت و میان مدت تحریک کنند. و تنها مداخلات بزرگترین مقیاسی که به بهبود قلمرو عمومی متمرکز گردد می تواند منجر به افزایش قیمت مسکن شود اما هیچ تاثیری بر سایر نتایج اقتصادی نداشته است.
۱۰	زابلی و اون ^۱	شش برنامه و طرح در حوزه بازآفرینی شهر فعال بوده که این برنامه های منعکس کننده توسعه برنامه های بودجه

^۱ : Marti

<p>برنامه ریزی شهری آلمان و تنوع نیازهای شهرها را روشن می سازد و این تنوع به پیچیدگی منجر می شود که کارشناسان برنامه ریزی جامعه نیاز به جستجوی برنامه های متناسب با ایده و پروژه توسعه جامعه را در حوزه بازآفرینی شهری دارا است.</p>	<p>(۲۰۲۰)</p>	
<p>سهم این پروژه در پایداری شهری حداقل بوده و برای بهبود عملکرد پایداری پروژه های بازآفرینی شهری در ترکیه، تلاش های بیشتری لازم است. با توجه به این یافته ها، پیامدهای سیاستی برای تحت فشار قرار دادن برنامه بازآفرینی شهری پایدار باید در ترکیه ایجاد شود.</p>	<p>کورکماز و بالابان^۲ (۲۰۲۰)</p>	<p>۱۱</p>

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۹

۱ : Zabel & Kwon

۲ : Korkmaz & balaban

در رابطه با ارتباط پیشینه‌های بررسی‌شده با پژوهش حاضر این مساله را می‌توان در تاکید بر دو مفهوم بازآفرینی و مشارکت مشاهده کرد و در واقع به لحاظ اهدافی که دنبال می‌کنند در راستای پژوهش حاضر هستند.

روش شناسی

پژوهش حاضر با توجه به اهدافی که دنبال می‌کند در زمره تحقیقات کاربردی و از لحاظ ماهیت و روش از نوع توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر روش‌های تجزیه و تحلیل آماری می‌باشد جامعه آماری پژوهش، شامل ساکنین شش بافت ناکارآمد در منطقه یک شهرداری بیرجند است که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای ۴۸۵۰۰ نفر جمعیت می‌باشد. با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه، تعداد ۳۷۱ نفر بدست آمد. در این پژوهش مشارکت اجتماعی، که خود شامل مولفه‌های نوع مشارکت، تمایل به مشارکت و شفافیت و اعتمادسازی است، به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. در این پژوهش بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری دارای دو بعد اقتصادی و اجتماعی است و متغیرهای جنسیت، سن، تحصیلات، محله زندگی، وضعیت تاهل، وضعیت اشتغال، وضعیت مالکیت، سابقه سکونت و وضعیت اجتماعی و اقتصادی، به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

پرسشنامه نقش مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری یک پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که دارای ۶۳ سوال بوده که متغیر مشارکت اجتماعی شامل سه مولفه (نوع مشارکت، تمایل به مشارکت و شفافیت و اعتمادسازی) و متغیر بازبینی بافت‌های ناکارآمد شهری شامل دو مولفه (اقتصادی و اجتماعی) می‌باشد که به منظور امتیازدهی و ارزش‌گذاری کمی سوالات از طیف لیکرت (۱-خیلی کم -۲ کم -۳ متوسط -۴ زیاد -۵ خیلی زیاد) استفاده شده است. در نهایت سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با استفاده از مدل ویکور مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت

برای اطمینان کامل در مورد روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌های پژوهش، از نظرات اساتید و صاحب‌نظران در این زمینه استفاده شد و اصلاحات لازم لحاظ گردید.

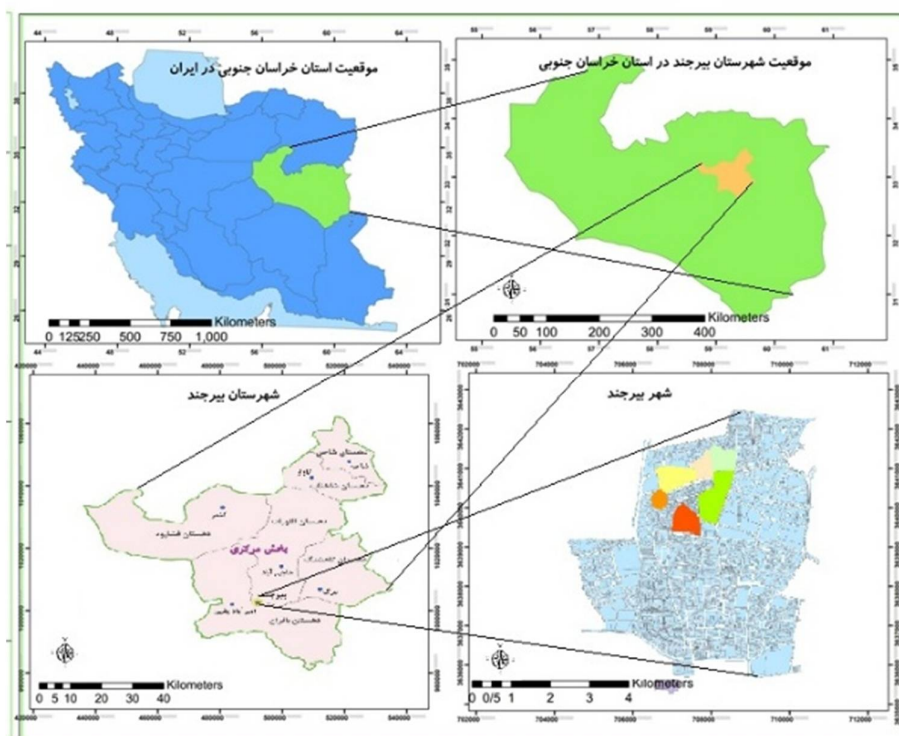
پایایی پرسشنامه‌ها با روش آلفای کرونباخ روی ۳۰ نمونه تصادفی محاسبه می‌شود. از آنجایی که مقدار بدست آمده آلفای کرونباخ برای پرسشنامه‌ها و مولفه‌های آنها بالای ۰/۷ می‌باشد می‌توان گفت پرسشنامه‌ها از پایایی قابل قبولی برخوردار هستند.

ردیف	متغیرها	آلفای کرونباخ
۱	نوع مشارکت	۰/۷۱۸
۲	تمایل به مشارکت	۰/۷۴۲
۳	شفافیت و اعتمادسازی	۰/۷۴۸
۴	مشارکت اجتماعی	۰/۷۷۸

مهم‌ترین ابزارهای مورد استفاده به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، نرم‌افزارهای EXCEL و SPSS است و برای ترسیم نقشه‌ها از نرم‌افزار Arc GIS استفاده شد.

محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه منطقه یک شهر بیرجند استان خراسان جنوبی است. این شهر در ۳۲ درجه و ۵۳ دقیقه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۱۳ دقیقه طول شرقی واقع شده است. شش بافت ناکارآمد منطقه یک شهر بیرجند واقع شده است. این پهنه‌ها در منطقه یک شهر بیرجند در گذر زمان دچار فرسودگی و ناکارآمدی شده و از این رو با مشکلات بسیاری از جمله رشد جمعیت، مشکل تامین مسکن، آشفته‌گی و نامنظمی بافت، استفاده از مصالح کم دوام و نامقاوم، عدم یا کمبود کاربری‌هایی مانند فضای سبز و ...، شبکه دسترسی و معابر نامناسب، وجود کاربری‌های ناسازگار (نزدیکی بافت به آرامستان شهر بیرجند)، وجود زمین‌های خالی و بازمانده از توسعه، وجود آلودگی‌های زیست‌محیطی در محدوده (تجمع زباله و گرد و خاک)، ترکیب جمعیتی ناهمگون (وجود مهاجرین روستایی و افغانی)، وضع اقتصادی نامطلوب ساکنین، نابهنجاری‌های اجتماعی و وجود انواع جرائم به خصوص اعتیاد و فحشا، مدیریت شهری بی‌توجه، عدم انگیزه برای سرمایه‌گذاری، عدم کمبود اعتماد ساکنین بافت به عملکرد نهادها و سازمان‌های دولتی مانند شهرداری و ... روبرو بوده و این مشکلات را به کل شهر نیز تسری می‌دهند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۵).



شکل ۱: موقعیت مورد مطالعه، ترسیم: نگارنده، ۱۳۹۹
 بحث و یافته‌ها

قبل از پرداختن به تحلیل‌های استنباطی؛ برای نرمال بودن توزیع فراوانی متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد، تا نرمال بودن توزیع آن مشخص گردد. آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در خصوص متغیرهای پژوهش نشان داد متغیرها در سطح $(Sig > 0/05)$ از توزیع نرمالی برخوردار هستند و با فرض قرار داشتن متغیر در مقیاس فاصله‌ای می‌توان آمار پارامتریک را جهت تحلیل استفاده کرد.

جدول ۲: آزمون کولموگروف اسمیرنوف مبنی بر نرمال بودن داده‌ها

خرده مقیاس	سطح معناداری	نتیجه
وضعیت اقتصادی	۰/۲۲۳	نرمال است
وضعیت اجتماعی	۰/۳۲۰	نرمال است
نوع مشارکت	۰/۱۹۵	نرمال است
تمایل به مشارکت	۰/۲۰۱	نرمال است
شفافیت و اعتمادسازی	۰/۲۵۴	نرمال است

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۹

در ادامه، به بررسی وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری پرداخته شد. آمار توصیفی مربوط به وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان و نتایج آزمون همبستگی پیرسون مربوط به ارتباط میان این دو متغیر در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۳: آزمون همبستگی پیرسون میان وضعیت اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

آزمون همبستگی پیرسون		آمار توصیفی			متغیر
سطح معنی‌داری (Sig)	ضریب همبستگی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد پاسخ‌ها	
۰/۰۰۱	۰/۵۲۶	۲۰/۳۱۶	۱۰۵/۲	۳۷۱	مشارکت اجتماعی
		۵/۲۰۵	۳۱/۶	۳۷۱	وضعیت اجتماعی

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به نتایج بدست آمده، ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر ۵۲ درصد بدست آمد، لذا می‌توان بیان داشت که ارتباط معنی‌داری میان وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان وجود دارد. با توجه به اینکه در آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری معادل $(0/001)$ و کمتر از $0/05$ می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اجتماعی (زیرمولفه‌های سابقه سکونت، رضایت از سکونت محله، عدم رضایت از بافت محله، مرمت و بازسازی محله، احساس تعلق به محله، آسیب‌های اجتماعی و ...) با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه وجود ندارد، رد می‌شود. در ادامه میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری سنجیده می‌شود که نتایج آزمون **T** تک نمونه‌ای مربوط به میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۴: آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

میانگین جامعه یا ارزش آزمون (۱۰۸)						متغیر
سطح معناداری	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	تفاوت میانگین	میانگین	
۰/۰۰۸	۳۷۰	-۲/۶۵۴	۲۰/۳۱۶	-۲/۸۰۰	۱۰۵/۲	میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۹

همان‌گونه که در جدول فوق مشاهده می‌شود میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه نمونه (۱۰۵/۲) با انحراف استاندارد (۲۰/۳۱۶) که به طور معناداری ($p < ۰/۰۵$) از نمره میانگین جامعه (۱۰۸) به اندازه (۲/۸۰۰) کمتر بدست آمد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در حال حاضر اندک و ناکافی است. علاوه بر این میزان شفافیت و اعتمادسازی در نحوه عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند بازآفرینی بیشترین نقش را در افزایش مشارکت اجتماعی دارد. به گونه‌ای که این امر از طریق نتایج آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به مولفه‌های مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۵: آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به مولفه‌های مشارکت اجتماعی ساکنان

متغیر	میانگین	تفاوت میانگین	انحراف استاندارد	T	درجه آزادی	سطح معناداری
نوع مشارکت	۲/۶۳۹	-۰/۶۳۹	۲۰/۴۴۵	-۲/۰۴۱	۳۷۰	۰/۰۲۲
تمایل به مشارکت	۲/۷۹۷	-۰/۷۹۷	۲۰/۲۷۸	-۲/۰۵۲	۳۷۰	۰/۰۱۱
شفافیت و اعتمادسازی	۳/۱۱۸	۰/۱۱۸	۲۰/۲۲۵	۱/۹۰۵	۳۷۰	۰/۰۵۰

منبع: مطالعات میدانی نگارنده، ۱۳۹۹

همان‌گونه که مشاهده می‌شود آزمون t تک نمونه‌ای برای همه مولفه‌ها با توجه به سطح معناداری ($p < ۰/۰۵$) مورد تایید می‌باشد و همچنین از آنجا که میانگین مولفه شفافیت و اعتمادسازی در مشارکت (۳/۱۱۸) بیشتر از بقیه مولفه‌ها می‌باشد. لذا می‌توان نتیجه گرفت که شفافیت و اعتمادسازی در نحوه عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند بازآفرینی بیشترین نقش را در افزایش مشارکت اجتماعی دارد. علاوه بر این در ادامه یافته‌های بدست آمده ناشی از بررسی مولفه‌های توصیفی تاثیرگذار بر میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های

ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری مشخص گردید که تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری بین دو جنس (مونث و مذکر) وجود دارد. به عبارت دیگر؛ نتایج تحلیل آزمون t گروه‌های مستقل نشان داد تفاوت معناداری میان میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در دو گروه مرد و زن با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد و میانگین مشارکت اجتماعی مردان به اندازه (9/428) بیشتر از زنان می‌باشد.

هم چنین تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری و وضعیت تاهل آنان با سطح معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد. همچنین میانگین مشارکت اجتماعی افراد متاهل به اندازه (7/886) بیشتر از افراد مجرد می‌باشد.

جدول 6: آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه نمره مشارکت اجتماعی با مولفه‌های توصیفی

مولفه	گروه	میانگین	انحراف استاندارد	t	درجه آزادی	تفاوت میانگین	F	سطح معناداری
جنسیت	مذکر	109/2	18/459	4/0547	369	9/428	5/193	0/023
	مونث	99/8	21/418					
تاهل	متاهل	108/899	18/772	3/798	369	7/886	4/093	0/044
	مجرد	101/013	21/220					

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، 1399

در ادامه با استفاده از تحلیل واریانس به بررسی مولفه‌های تاثیرگذار چندوجهی پرداخته شد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در محله‌های مختلف وجود دارد. به گونه‌ای که میان میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در محله‌های مختلف با سطح معناداری ($p < 0/05$) تفاوت وجود دارد.

جدول 7: آزمون واریانس یک راه برای مقایسه نمره مشارکت اجتماعی در مولفه‌های توصیفی

مولفه	گروه	میانگین	F	سطح معناداری
محلات متعدد	جوادیه	161/212	9/856	0/000
	کارگران	110/388		
	چهاردرخت	104/324		
	هفده شهریور	102/905		
	ته ده	96/826		
	موسی‌بن‌جعفر	92/793		
وضعیت تحصیلات	فوق لیسانس و بالاتر	113/761		
	لیسانس	108/654		

۰/۰۰۰	۶/۷۳۲	۱۰۲/۸۰۳	فوق دیپلم	
		۱۰۲/۷۹۳	دیپلم	
		۹۷/۸۵۶	زیردیپلم	
۰/۰۰۰	۷/۱۴۶	۹۲/۲۱۵	زیر ۲۵ سال	سنین مشارکت
		۱۰۰/۶۱۴	۲۵-۳۵ سال	
		۱۰۶/۲۷۷	۳۵-۴۵ سال	
		۱۰۸/۲۱۴	۴۵-۵۵ سال	
		۱۱۳/۶۹۹	۵۵-۶۵ سال	
۰/۰۰۰	۸/۲۱۸	۱۱۳/۱۳۸	شاغل بخش دولتی	وضعیت اشتغال
		۱۱۱/۶۶۶	شاغل بخش خصوصی	
		۱۰۱/۸۰۴	بیکار و در جستجوی کار	
		۱۰۶/۷۵۲	خانه دار	
		۹۴/۸۲۶	دانشجو	
۰/۰۰۰	۱۹/۱۰۴	۱۱۶/۱۱۸	ملکی	وضعیت مالکیت
		۹۶/۱۹۲	اجاره ای	
		۱۰۱/۳۱۰	رهنی	
		۱۱۴/۸۷۷	سازمانی	
		۱۰۹/۴۶۶	وقفی	
۰/۰۰۰	۱۰/۵۸۳	۹۲/۹۷۵	کمتر از ۵ سال	سابقه سکونت
		۹۷/۸۸۲	۵-۱۰ سال	
		۱۰۳/۰۷۸	۱۰-۱۵ سال	
		۱۰۴/۲۸۸	۱۵-۲۰ سال	
		۱۱۳/۱۰۴	۲۰-۲۵ سال	
		۱۱۵/۷۸۳	بالا ۲۵ سال	

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۹

هم چنین تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت-های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف تحصیلات وجود دارد. به صورتی که میان میزان سطح معناداری ($p < 0/05$) است. بنابراین می‌توان بیان داشت که میان ارتقای سطح تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان از تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف سنی است و سطح معناداری بدست آمده ($p < 0/05$) است. لذا تحلیل استنباطی داده‌های گردآوری شده نشان‌دهنده تفاوت ارتباط مستقیم میان تنوع گروه‌های سنی مختلف و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است. تحلیل بدست آمده نشان داد که تفاوت معناداری میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال وجود دارد و سطح معناداری ($p < 0/05$) با فاصله اطمینان ۹۵ درصد است و با توجه به جدول بدست آمده می‌توان بیان داشت که میزان مشارکت اجتماعی به ترتیب شامل گروه‌های شاغل بخش دولتی، شاغل بخش خصوصی، خانه‌دار و غیره است. هم چنین به لحاظ وضعیت مالکیت گروه‌های مختلف تفاوت معناداری میان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری وجود دارد و سطح معناداری ($p < 0/05$) با فاصله اطمینان ۹۵ درصد است. علاوه بر این، به لحاظ

وضعیت مالکیت و ارتقای مشارکت اجتماعی؛ مالکین شخصی و سپس سازمانی دارای مشارکت اجتماعی بالاتری در طرح‌های بازآفرینی شهری بیرجند است و در نهایت تحلیل واریانس یک طرفه گروه‌های مختلف به لحاظ سابقه سکونت نشان‌دهنده تفاوت معنادار میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری و سطح معناداری ($p < 0/05$) با فاصله اطمینان ۹۵ درصد است. به عبارتی میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند و سابقه سکونت در منطقه ارتباط مستقیمی وجود دارد. آزمون همبستگی و تحلیل‌های منتج شده از آن نشان داد که میان وضعیت اقتصادی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه معناداری وجود دارد. چرا که سطح معناداری (sig) معادل (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ با فاصله اطمینان ۰/۹۵ است و ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر معادل ۰/۶۱۲ می‌باشد. بنابراین ارتباط مثبتی بین مشارکت اجتماعی و وضعیت اقتصادی بدست می‌آید. جدول ۸: آزمون همبستگی میان وضعیت اقتصادی - اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان

آزمون همبستگی پیرسون		آمار توصیفی			متغیر
سطح معنی‌داری (Sig)	ضریب همبستگی	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد پاسخ‌ها	
۰/۰۰۰	۰/۶۱۲	۲۰/۳۱۶	۱۰۵/۲	۳۷۱	مشارکت اجتماعی
		۵/۳۱۵	۳۱/۳	۳۷۱	وضعیت اقتصادی
۰/۰۰۰	۰/۵۲۶	۵/۲۰۵	۳۱/۶	۳۷۱	وضعیت اجتماعی

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۹

و هم چنین بین وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه معناداری وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر بیان شده ۰/۵۲۶ است که ارتباط متوسط به بالایی را نشان می‌دهد و با توجه به اینکه در آزمون همبستگی پیرسون، سطح معناداری معادل (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ با فاصله اطمینان ۰/۹۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که وضعیت اجتماعی (زیرمعیارهای رضایت از سکونت محله، عدم رضایت از بافت محله، مرمت و بازسازی محله، احساس تعلق به محله، آسیب‌های اجتماعی و ...) با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه ارتباط مستقیمی دارد.

در نهایت سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با استفاده از مدل ویکور نشان داد که که پهنه‌بندی فضایی - مکانی میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری در بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند را که براساس شاخص‌های نوع مشارکت، تمایل به مشارکت، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی

و تعلق مکانی نشان می‌دهد، محلات جوادیه و کارگران واقع در منطقه یک شهر بیرجند به ترتیب با ارزش Q به میزان ۰ و ۰/۲۱ در رتبه‌های اول و دوم جای گرفتند و از نظر میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری وضعیت مطلوبی را دارا می‌باشند و محله چهاردرخت (میون ده) با Q به میزان ۰/۴۴۲ در رتبه سوم و محله هفده شهریور با ارزش Q به میزان ۰/۵۸۴ در رتبه چهارم قرار گرفتند و از وضعیت نیمه مطلوب برخوردار می‌باشند. در این سطح‌بندی، محله ته ده با توجه به ارزش Q به میزان ۰/۷۲۲ و ضعف در شاخص‌های شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در رتبه پنجم واقع شده است. همچنین محله موسی‌بن‌جعفر با Q به ارزش ۱ و ضعف در شاخص‌های تعلق مکانی، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در جایگاه آخر قرار گرفته است. همان طور که از (جدول ۹) پیداست محلات ته ده و موسی‌بن‌جعفر از وضعیت نامطلوبی به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری برخوردار می‌باشند.

جدول ۹: محاسبه مقدار ویکور هر یک از شاخص‌های مورد مطالعه در بافت‌های ناکارآمد

Sj	Rj	نوع مشارکت	تمایل به مشارکت	انسجام اجتماعی	شفافیت و اعتمادسازی	تعلق مکانی	شاخص بافت‌های ناکارآمد
۰/۷۳۲	۰/۲۹	۰/۰۳۴	۰/۰۷۷	۰/۱۹۷	۰/۲۹	۰/۱۳۴	ته ده
۰/۵۳۷	۰/۲۶۸	۰	۰	۰/۱۹۷	۰/۰۷۲	۰/۲۶۸	هفده شهریور
۰/۰۵۵	۰/۰۳۸	۰/۰۱۷	۰/۰۳۸	۰	۰	۰	جوادیه
۰/۱۹۸	۰/۱۳۴	۰/۰۲۵	۰/۰۳۸	۰	۰	۰/۱۳۴	کارگران
۰/۹۵۳	۰/۴۰۲	۰/۰۲۵	۰/۰۳۸	۰/۱۹۷	۰/۲۹	۰/۴۰۲	موسی‌بن‌جعفر
۰/۴۵۹	۰/۱۹۷	۰/۰۱۷	۰/۰۳۸	۰/۱۹۷	۰/۰۷۲	۰/۱۳۴	چهاردرخت

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۹

جدول ۱۰: محاسبه مقدار نهایی ویکور و سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی

مطلوبیت	رتبه	Q	بافت‌های ناکارآمد
نامطلوب	۵	۰/۷۲۲	ته ده
نیمه مطلوب	۴	۰/۵۸۴	هفده شهریور
مطلوب	۱	۰	جوادیه
مطلوب	۲	۰/۲۱	کارگران
نامطلوب	۶	۱	موسی‌بن‌جعفر
نیمه مطلوب	۳	۰/۴۴۲	چهاردرخت

مطلوب

منبع: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۹

نتیجه‌گیری

مشارکت مردم و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل و هماهنگی لازم بین بخش‌های جامعه، نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. ارزش مشارکت در امور عمومی و مدنی شهری دارای سابقه بسیار طولانی است (منوریان و همکاران، ۱۳۸۹). با وجود تلاش‌های صورت گرفته هنوز اجماع نظری لازم برای تعریف و مقوله‌سازی مشارکت اجتماعی صورت نگرفته است. هم‌اکنون در پژوهش‌های منتشر شده به زبان انگلیسی در این حوزه واژه‌های *social integration and*، *social anagement*، *social involvement*، *social network*، *community*، *social support*، *social capital*، *social participatio*، *social involvement* با وجود تفاوت‌های رقیقی که در معنا دارند، در معنای مشارکت اجتماعی بکار برده می‌شوند. هم‌چنین تحلیل مطالب چندین سایت به زبان انگلیسی که به پژوهش‌های این حوزه اختصاص دارد، به مشخص شدن ۴۳ تعریف از مشارکت اجتماعی انجامیده است (Levasseur et.all, ۲۰۱۵). در نهایت می‌توان بیان داشت که مشارکت و مشارکت اجتماعی از جمله مفاهیم و مقولاتی است که ناظر بر شناسایی امور و رخدادهایی است که ماهیت راهبردی و استراتژیکی دارند و از این مقوله، یکی از معیارهای تأثیرپذیر از مشارکت اجتماعی بازآفرینی شهری است که به معنای نگرش و اقداماتی جامع و یکپارچه برای حل مشکلات شهری در منطقه هدف است که واجد اهداف بلند مدت و راهبردی و گامی فراتر از مقاصد، آرزوها و دستاوردهای نوسازی شهری، توسعه شهری و باززنده سازی شهری می‌باشد و راهبردی است که ساختاردهی مجدد اقتصادی، اجتماعی و محیطی، مهندسی و خلق مجدد را می‌طلبد و شهر - منطقه - محله را در چارچوب اهداف توسعه پایدار ترکیب می‌کند و رشد مجدد فعالیت‌های اقتصادی، ترمیم عملکرد اجتماعی و ترمیم کیفیت محیطی را سبب می‌شود (Colantonio & Dixon, ۲۰۱۱).

تمرکز و هدف پژوهش حاضر ارزیابی متغیرهای موثر بر بازآفرینی شهری بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است. در واقع این پژوهش با رویکرد مشارکت اجتماعی که عوامل بیرونی بر روند بازآفرینی بافت ناکارآمد شهری تأثیر شایان توجهی خواهد گذاشت سعی بر این دارد تا با شناسایی کلیدی‌ترین متغیرهای موثر بر بازآفرینی بافت ناکارآمد شهر بیرجند پیشنهادی اساسی و راهبردی را ارائه نماید. برای مشخص کردن اینکه داده‌ها پارامتریک یا ناپارامتریک هستند از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در خصوص متغیرهای پژوهش استفاده گردید و داده‌های بدست آمده نشان داد متغیرها در سطح ($\text{Sig} > 0/05$) از توزیع نرمالی برخوردار هستند و این امر نشان‌دهنده نرمال بودن و بهنجاری داده‌ها است.

تحلیل‌های استنباطی داده‌ها نشان داد که با توجه به نتایج تحلیل‌های استنباطی مربوط به میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری؛ میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های

بازآفرینی شهری در گروه نمونه (۱۰۵/۲) با انحراف استاندارد (۲۰/۳۱۶) که به طور معناداری ($p < ۰/۰۵$) از نمره میانگین جامعه (۱۰۸) به اندازه (۲/۸۰۰) کمتر بود، لذا می‌توان نتیجه گرفت که میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در حال حاضر اندک و ناکافی است و این امر نشان دهنده این است که نقش مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری کمتر است و نتایج بدست آمده با مطالعه مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷) قرابت دارد که بیان می‌دارند که وضعیت کلی مشارکت‌پذیری مردم محله خیرآباد پایین-تر از حد متوسط اظهار شده است و لذا لزوم شناخت عوامل موثر بر توسعه مشارکت‌پذیری در بهسازی و نوسازی بافت، بیش از پیش مورد تأیید قرار می‌گیرد. هم‌چنین از میان عواملی همانند نوع مشارکت، تمایل به مشارکت و شفافیت و اعتمادسازی و غیره بیشترین عامل موثر در افزایش میزان مشارکت اجتماعی جامعه شهری بیرجند مربوط به عامل شفافیت و اعتمادسازی است که آزمون استنباطی برای همه مولفه‌ها با توجه به سطح معناداری ($p < ۰/۰۵$) مورد تأیید است و هم‌چنین از آنجا که میانگین مولفه شفافیت و اعتمادسازی در مشارکت (۳/۱۱۸) بیشتر از سایر مولفه‌ها بدست آمد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که شفافیت و اعتمادسازی در نحوه عملکرد نهادهای دخیل در فرآیند بازآفرینی بیشترین نقش را در افزایش مشارکت اجتماعی دارد و این نتیجه نیز با پژوهش مریدسادات و محمدیان (۱۳۹۷) قرابت نزدیکی دارد که در آن مهم‌ترین اهمیت به حس تعلق داده شده است و پس از آن اعتماد و انسجام اجتماعی دارای اهمیت ویژه در مشارکت مردم در بهسازی و نوسازی است.

تحلیل زیرمولفه‌های تاثیرگذار و نقش آنها در مشارکت اجتماعی نیز نشان داد که تفاوت معناداری میان میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری به لحاظ تاهل و نوع جنسیت وجود دارد. علاوه بر این؛ به لحاظ سکونتی، تفاوت معناداری میان میانگین نمرات میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در محله‌های مختلف (جوادیه، کارگران، چهاردرخت، هفده شهریور، ته ده و موسی‌بن‌جعفر با میانگین‌های به ترتیب ۱۶۱/۲۱۲، ۱۱۰/۳۸۸، ۱۰۴/۳۲۴، ۱۰۲/۹۰۵، ۹۶/۸۲۶ و ۹۲/۷۹۳) با معناداری ($p < ۰/۰۵$) وجود دارد و به لحاظ تاثیر سطح تحصیلات در ارتقای میزان مشارکت اجتماعی؛ تفاوت معناداری میان میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف تحصیلات با معناداری ($p < ۰/۰۵$) وجود دارد. بنابراین می‌توان بیان داشت که میان ارتقای سطح تحصیلات و میزان مشارکت اجتماعی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ یعنی افزایش سطح تحصیلات بر میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری بیرجند افزایش‌دهنده است و با نتایج Mann (۲۰۰۵) و نیز salehi (۲۰۰۷) که نشان دادند که رابطه مثبت و معنی داری میان متغیر سواد و مشارکت اجتماعی مردم وجود دارد، هم راستا است.

تحلیل استنباطی داده‌های بدست آمده نشان‌دهنده ارتباط مستقیم میان تنوع گروه‌های سنی مختلف و میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند است. تفاوت معناداری میان میانگین میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف وضعیت اشتغال (شاغل بخش دولتی، شاغل بخش خصوصی، خانه‌دار و غیره) با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد و با توجه به داده‌های بدست آمده می‌توان بیان داشت که میزان مشارکت اجتماعی به ترتیب شامل گروه‌های شاغل بخش دولتی ($113/138$)، شاغل بخش خصوصی ($111/666$)، خانه‌دار ($106/752$) و غیره است. هم‌چنین تفاوت معناداری میان میانگین نمره میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری در گروه‌های مختلف وضعیت مالکیت با معناداری ($p < 0/05$) وجود دارد. به لحاظ وضعیت مالکیت و ارتقای مشارکت اجتماعی؛ مالکین شخصی ($116/118$) و سازمانی ($114/877$) دارای مشارکت اجتماعی بالاتری در طرح‌های بازآفرینی شهری بیرجند است و بیشترین میزان مشارکت اجتماعی به لحاظ سابقه سکونت در میان افراد با سابقه سکونت زیاد است. به عبارتی میان میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند و سابقه سکونت در منطقه ارتباط مستقیمی وجود دارد.

علاوه بر این، بین وضعیت اقتصادی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه مستقیمی وجود دارد؛ چرا که در آزمون همبستگی پیرسون، سطح معنی‌داری (sig) معادل ($0/000$) و کمتر از $0/05$ می‌باشد و ارتباط معنی‌دار و مستقیمی میان وضعیت اجتماعی با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان وجود دارد که می‌توان بیان داشت که وضعیت اجتماعی (زیرمولفه‌های رضایت از سکونت محله، عدم رضایت از بافت محله، مرمت و بازسازی محله، احساس تعلق به محله، آسیب‌های اجتماعی و...) با میزان مشارکت اجتماعی ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهر بیرجند در طرح‌های بازآفرینی شهری رابطه مستقیمی وجود دارد و این امر با نتایج بدست آمده Feiznia و همکاران (2006) نیز که عوامل و وضعیت اجتماعی را بعد از عوامل اقتصادی به عنوان مهمترین عوامل موثر بر مشارکت اجتماعی رتبه‌بندی کرده‌اند، قرابت دارد.

با این وجود، یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های پوراحمد و همکاران (1396) که به شکلی ویژه بر بازآفرینی شهری نیز تاکید دارند، به دلیل جهان‌بینی یکپارچه و تعامل‌گرایی می‌تواند نسخه بهینه‌ای برای مداخله در بافت ناکارآمد شهری باشد و نتایج پژوهش احدنژاد و نژداغی (1397) و بحرینی و همکاران (1393) نیز با یافته‌های پژوهش حاضر قرابت دارد (به نقل از صفایی‌پور و دامن باغ، 1398).

سطح‌بندی بافت‌های ناکارآمد به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری با استفاده از مدل ویکور (VIKOR) از طریق شاخص‌های پنجگانه (نوع مشارکت، تمایل به مشارکت، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی و تعلق مکانی) صورت گرفت و تحلیل‌های بدست آمده نشان داد که محلات جوادیه و کارگران واقع در منطقه یک

شهر بیرجند به ترتیب با ارزش Q به میزان ۰ و $۰/۲۱$ در رتبه‌های اول و دوم جای گرفتند و از نظر میزان مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری وضعیت مطلوبی را دارا می‌باشند و محله چهاردرخت (میون ده) با Q به میزان $۰/۴۴۲$ در رتبه سوم و محله هفده شهریور با ارزش Q به میزان $۰/۵۸۴$ در رتبه چهارم قرار گرفتند و از وضعیت نیمه مطلوب برخوردار می‌باشند. در این سطح‌بندی، محله ته ده با توجه به ارزش Q به میزان $۰/۷۲۲$ و ضعف در شاخص‌های شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در رتبه پنجم واقع شده است. همچنین محله موسی‌بن‌جعفر با Q به ارزش ۱ و ضعف در شاخص‌های تعلق مکانی، شفافیت و اعتمادسازی، انسجام اجتماعی، تمایل به مشارکت و نوع مشارکت در جایگاه آخر قرار گرفته است.

پیشنهادها

- ❖ تلاش برای فراهم نمودن عوامل ترغیب کننده در مشارکت برای بازآفرینی و حضور نهاد میانجی بی‌طرف در همه مراحل بازآفرینی شهری به عنوان تسهیل‌گر مراحل مختلف طرح؛
- ❖ راه اندازی سایتها و نهادهای محله محور در راستای ایجاد ارتباط مستمر با ساکنان و هم چنین اطلاع‌رسانی از اهداف و وظایف مدیریت محلات بافت‌های ناکارآمد شهری به ویژه در محلات با اولویت پایین‌تر به لحاظ میزان مشارکت اجتماعی از قبیل محله موسی‌بن‌جعفر و ته ده؛
- ❖ فراهم کردن منابع مالی پایدار در طرح‌های بازآفرینی شهر بیرجند که نیازمند در نظرگرفتن منابع مالی و بازده‌های مورد انتظار از آنها است که می‌تواند شامل منابع خارجی و ذی‌نفعان پروژه‌های بازآفرینی شهری بیرجند از قبیل انبوه‌سازان، سرمایه‌گذاران محلی و ایجاد صندوق ویژه محلی به منظور تامین منابع مالی در جهت بازآفرینی محلات ناکارآمد شهری باشد
- ❖ ارائه اطلاعات به آحاد جامعه هدف در مورد برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌هایی که قرار است انجام گیرد؛ در راستای ترغیب ساکنان بافت‌های ناکارآمد شهری برای مشارکت بیشتر و ارائه ایده‌های نوین در زمینه‌های مختلف توسعه بازآفرینی بافت‌ها؛
- ❖ اتخاذ تمهیدات و برنامه‌ریزی‌های لازم در جهت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری برای بالابردن توجه مسئولین به رویکرد مشارکت اجتماعی در افزایش توجه به بازآفرینی شهری محلات ناکارآمد شهری؛
- ❖ تلاش در راستای فراهم‌سازی راهبردهایی برای ایجاد گردهمایی‌های محله‌ای جهت ارتقاء و افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان برای بازآفرینی محلات ناکارآمد شهری بیرجند؛
- ❖ توجه بیشتر به عملکرد رضایتمندی از اجرای مشارکت اجتماعی در بازآفرینی شهری محلات ناکارآمد شهری توسط مردم و مسوولان با لحاظ رضایت‌سنجی و عملگرایی در این محلات.

منابع و مآخذ

۱. احمدی، مارال؛ عندلیب، علیرضا؛ ماجدی، حمید؛ سعیده زرآبادی، زهرا السادات، ۱۳۹۸، تحلیلی بر جایگاه سرمایه های اجتماعی در بازآفرینی بافت فرسوده تاریخی محله امامزاده یحیی با بکارگیری معادلات ساختاری، مجله دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۲، صص ۶۳-۴۹.
۲. ایزدفر، الهام؛ ساسانپور، فرزانه؛ تولائی، سیمین؛ سلیمانی، محمد، ۱۳۹۹، بازآفرینی پایدار شهری بر پایه سناریونگاری (مورد شناسی: منطقه ۱۴ شهرداری اصفهان)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، سال دهم، شماره ۳۴، صص ۶۸-۴۵.
۳. ایزدفر، نجمه؛ رضایی، محمدرضا، ۱۳۹۹، شناسایی عوامل کلیدی موثر بر بازآفرینی پایدار شهری با رویکرد آینده پژوهی (مورد شناسی: بافت ناکارآمد شهر یزد)، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری-منطقه ای، سال دهم، شماره ۳۴، بهار، صص ۱۳۰-۱۰۹.
۴. ایزدی، پگاه؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی؛ قادری، جعفر، ۱۳۹۹، تحلیل نقش هم افزایی میان نهادی در بازآفرینی شهری با استفاده از رویکرد تحلیل شبکه (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهرداری شیراز)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۱ بهار، صص ۲۶۱-۲۴۱.
۵. آیینی، محمد؛ اردستانی، زهراالسادات، ۱۳۸۸، هرم بازآفرینی و مشارکت مردم، معیار ارزیابی برنامه های توسعه درونزای شهری (نمونه موردی: رویکرد قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن به بهسازی و نوسازی بافت های فرسوده شهری)، فصلنامه هویت شهر، دوره ۳، شماره ۵، صص ۴۷-۵۸.
۶. باستانی، مزده، حنایی، تکتم، ۱۳۹۹، مطالعه تطبیقی تاب اوری اجتماعی در راستای اهداف بازآفرینی شهری، نمونه موردی محلات ایران، فیلپین و مالزی، نشریه علمی و پژوهشی شهر ایمن، دوره ۳، شماره ۹.
۷. بحرینی، سید حسین؛ ایزادی، محمد سعید، مفیدی، مهرا نوش، ۱۳۹۲، رویکردها و سیاست های نوسازی شهری، فصلنامه مطالعات شهری، سال سوم، شماره ۱۷، صص ۲۹-۱۷.
۸. پوراحمد، احمد، کشاورز، مهناز، علی اکبری، اسماعیل، هادوی، فرامرز (۱۳۹۶)، بازآفرینی پایدار بافت های ناکارآمد شهری، مورد مطالعه منطقه ۱۰ تهران، فصلنامه آمایش محیط، دوره دهم، شماره ۳۷، صص ۱۹۴-۱۶۷.
۹. زارع، الهام؛ فرامرزی اصل، مهسا؛ عباسی پارام، الناز، ۱۳۹۹، بررسی نقش مشارکت اجتماعات محلی در توسعه پایدار اجتماعی شهرها، مجله معماری و شهر پایدار، سال ششم، شماره اول، صص ۱۱۷-۱۰۱.
۱۰. زنگی آبادی، علی؛ زنگنه، مهدی، ۱۳۹۳، شهروندی مشارکتی و نقش آن در بهینه سازی مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه یک شهر مشهد، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۲، صص ۲۳۸ - ۲۱۹.
۱۱. شرکت بازآفرینی شهری ایران، ۱۳۹۶، شناسایی محله ها و محدوده های ناکارآمد هدف بازآفرینی شهری و راهکار های اجرایی آن، وزارت راه و شهرسازی، مهندسين مشاور شاران، زمستان.
۱۲. صالح پور جم، امین؛ رسولی، فهیمه؛ سررشته داری، امیر؛ مصفایی، جمال؛ کیا کیانیان، محمد، ۱۳۹۹، بررسی شاخص های اجتماعی موثر در عدم مشارکت مردمی در طرح های منابع طبیعی با کاربرد روش **AHP** و آزمون های ناپارامتریک، نشریه علمی - پژوهشی مهندسی و مدیریت آبخیز، جلد ۱۲، شماره ۱، صص ۳۳۹-۳۳۰.

۱۳. صفایی پور، مسعود؛ دامن باغ، صفیه، ۱۳۹۸، تحلیل مولفه های بازآفرینی شهری در بافت فرسوده مرکزی شهر اهواز، نشریه علمی - پژوهشی برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال چهارم، شماره ۳، پیاپی ۱۵، صص ۱۲۲-۱۰۳.
۱۴. ضرابی، المیرا؛ تهرانی، فریده، ۱۳۸۸، رویکرد مشارکتجویانه در نوسازی و بهسازی بافت های فرسوده شهری، آرمان شهر، شماره ۲، بهار و تابستان، صص ۴۶-۳۹.
۱۵. فرجی، سیدجلال الدین، خبازی چالشتی، مصطفی، احمدی، شفیقه، ۱۳۹۹، نقش مشارکت شهروندان در ارتقای امنیت و توسعه اجتماعی، دو فصلنامه جغرافیای اجتماعی شهری، سال هفتم، شماره اول، صص ۹۷-۱۲۴.
۱۶. فنی، زهره؛ توکلی نیا، جمیله؛ بیرانوندزاده، مریم، ۱۳۹۹، کاربری تحلیللی- ساختاری بازآفرینی پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر خرم آباد)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۲، شماره ۱، صص ۱۹۷-۱۸۱.
۱۷. فیروزی، محمدعلی؛ امان پور، سعید؛ زارعی، جواد، ۱۳۹۸، تحلیل بسترهای نهادی تحقق مدیریت یکپارچه در بازآفرینی شهری پایدار بافت های فرسود (منطقه موردی: شهر اهواز)، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۵۱، شماره ۴، صص ۹۰۹-۸۹۱.
۱۸. مرادی، فاطمه؛ سعیده زرآبادی، زهرا سادات؛ ماجدی، حمید، ۱۳۹۸، واکاوی اصول بازآفرینی شهری فرهنگ - مبنا با رویکرد ارتقای رقابت پذیری، مجله باغ نظر، سال شانزدهم، شماره ۷۰، فروردین.
۱۹. مرید سادات، پگاه؛ محمدیان، سجاد، ۱۳۹۷، مشارکت در بهسازی و نوسازی بافت فرسوده شهری مطالعه موردی: محله خیرآباد بیرجند، دوره ۱۱، شماره ۴۲، صص ۱۶۴-۱۳۹.
۲۰. منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس؛ فتاحی، مهدی؛ واثق، بهاره، ۱۳۸۹، بررسی رابطه بین پاسخ گویی عمومی، مشارکت عمومی و اعتماد عمومی در سازمان های دولتی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، پژوهش های مدیریت در ایران، دوره ۱۴، شماره ۳، صص ۲۷۴-۲۵۱.
۲۱. موذنی، کیمیا؛ رفیعیان، مجیدی؛ ایزدی، محمد سعید، ۱۳۹۸، ارزش گذاری مولفه ها و شاخص های بازآفرینی پایدار رود دره های شهری تهران، مطالعه موردی: رود دره درکه، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۴، صص ۸۲-۶۸.
۲۲. نوری ده بزرگ، محمد؛ رضویان، محمدتقی؛ قورچی، مرتضی، ۱۳۹۸. سنجش مولفه های موثر بر کیفیت زندگی اجتماعی در عرصه بافت های ناکارآمد شهری، فصلنامه علمی فضای جغرافیایی، سال نوزدهم، شماره ۶۷، صص ۲۴۱-۲۱۷.
۲۳. هاشمی، الناز؛ علیمردانی، مسعود، ۱۳۹۹، بررسی ابعاد چارچوب مفهومی بازآفرینی حفاظت محور در بافت های شهری تاریخی ایران، نشریه علمی و تخصصی شبک، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۵۳، صص ۴۶-۳۲.
۲۴. هاشمی، محمدرضا؛ شیعه، اسماعیل؛ ذبیحی، حسین، ۱۳۹۹، مکان یابی موقعیت پردازه های محرک توسعه در بافت های ناکارآمد شهری (مورد پژوه: ناحیه ۲ منطقه ۱۸ شهرداری تهران)، نشریه علمی باغ نظر، سال هفدهم، شماره ۸۴، صص ۶۲-۵۱.
۲۵. وارثی، حمیدرضا؛ تقوایی، مسعود؛ رضایی، نعمت‌الله، ۱۳۹۱، ساماندهی بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: شهر شیراز)، مجله علمی _ تخصصی برنامه ریزی فضایی، (۲) ۲: صص ۱۵۶-۱۲۹.

۲۶. Albanese Giuseppe., Ciani Emanuele., de Blasio Guido., ۲۰۲۰, nything new in town? The local effects of urban regeneration policies in Italy, *Regional Science and Urban Economics*, vol ۸۶, <https://doi.org/10.1016/j.regsciurbeco.2020.03623>.
۲۷. Colantonio, A. & Dixon, T. ۲۰۱۱, *Urban regeneration and social sustainability: Best practice from European cities*, Publisher John Wiley & Sons.
۲۸. Gans, H. J. ۱۹۸۴, Planing for People, not Bulding. *Enviroment and planning Journal* vol ۱, ۳۳-۴۶ tetural journals.
۲۹. Kim, gunwoo., newman, galan., jiang, bin., ۲۰۲۰, Urban regeneration: Community engagement process for vacant land in declining cities, *cities*, vol ۱۰۲, ۱۰۲۷۳۰, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102730>.
۳۰. Korkmaz, C., and Balaban, O., ۲۰۲۰, Sustainability of Urban Regeneration in Turkey: Assessing the Performance of the North Ankara Urban Regeneration Project, *Habitat International*, Vol. ۹۵, ۱۰۲۰۸۱.
۳۱. Levasseur .M. et al., ۲۰۱۰, Inventory and Analysis of Definitions of Social Participation Found in the aging Literature: Proposed Taxonomy of Social Activities, *Social Science & Medicine*, No:۷۱.
۳۲. Li, xun., Zhang, fan., hui, eddie chi-man., lang, wei. ۲۰۲۰, Collaborative workshop and community participation: A new approach to urban regeneration in China, *cities*, vol ۱۰۲, ۱۰۲۷۴۳, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2020.102743>.
۳۳. Luda.۲۰۰۳, Appraisal of Urban Rehabilitation Literature and Projects, Including a Glossary of Terms and a Preliminary Set of Indicators Characterising LUDA. Large Scale Urban Distressed Areas (LUDA), Dresden.
۳۴. Mamas, Christoforos, Daly, Alan J., Cohen, Shana R., Jones, Gabrielle., ۲۰۲۰, Social participation of students with autism spectrum disorder in general education settings, learning, culture and social interaction, vol ۲۸, <https://doi.org/10.1016/j.lcsi.2020.100467>.
۳۵. Manganelli., Benedetto., Sabina; Tataranna Piergiuseppe., Pontrandolfi. ۲۰۲۰, A model to support the decision-making in urban regeneration, land use policy, vol ۹۹, ۱۰۴۸۶۵, <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2020.104865>.
۳۶. Marti, Pablo. Garcia-mayer, glara., Serrano-Estrada, Leticia., ۲۰۱۹, Identifying opportunity places for urban regeneration through LBSNs, *cities*, vol ۹۰, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2019.02.001>.
۳۷. Rashidi Ebrahim Hesari A, Mousavi SCh, Bahmand D, Samadi R.۲۰۱۲. Prioritizing the Sustainable Development Componens and its Role in the improvement of Urban Effete Fabrics with group Analytical Hierarchy Process (AHP): A Central Part of Isfahan City Case Study, *Journal. Civil Eng. Urban.* ۲(۳): ۸۶-۹۱.
۳۸. Shaw, K., and Butler, T..۲۰۲۰. Urban Regeneration, *International Encyclopedia of Human Geography (Second Edition)*, PP. ۹۷-۱۰۳.
۳۹. Strykiewicz ,T, Kudlak ,R, Ciesiółka, P, Kołsut ,B & Motek, P .۲۰۱۸. Urban regeneration in Poland's non-core regions, *European Planning Studies*, ۲۶:۲, ۳۱۶-۳۴۱.
۴۰. Zabel, ralf., kwon, Youngsang. ۲۰۲۰, Evolution of urban development and regeneration funding programs in German cities, *cities*, vol ۱۰۲, ۱۰۲۷۳۱.

Assessing the role of social factors on citizens participation in Regeneration of Urban Inefficient Textures (Case Study: Birjand City)

Abstract

The urban regeneration approach provides an integrated strategy of the decision-making process that is inclusive, competitive, and environmentally-socially sustainable. In the meantime; People's participation in the decision-making process of urban activities has been one of the key elements of a democratic and popular government, and increasing the social participation of people in urban affairs and programs can play a valuable role in creating the necessary balance, coordination and equilibrium between different sections of society. Therefore, the purpose of this study is investigate the role of social participation in the regeneration of inefficient texture in Birjand and according to the goals it pursues in the field of applied research and in terms of nature and method of descriptive-analytical based on statistical analysis methods. The method of data and information collection in this research is field and library methods. Therefore, in the analysis of the obtained data, first using the Smirnov-Kolmogorov test, the variables were normal or abnormal and the obtained data were tested that all of which had significant levels above 0.05 , which indicates the normality of the data. To analyze each of the hypotheses, Pearson correlation test, one-sample t-test, univariate linear regression and VIKOR model were used to inefficient textures rating in terms of social participation in urban regeneration. The statistical population of the present study includes residents of six inefficient texture in one region of Birjand city with a sample size of 371. The results showed that the level of social participation of residents of Birjand inefficient textures in urban regeneration projects is low and insufficient and the most effective factor in increasing public participation in regeneration projects these textures is a transparency and trust component. There is also a direct relationship between social participation of residents of inefficient textures of Birjand with type of gender, marital status, and education, age, type of job, type of ownership, residence history, economic status and social status. Leveling of inefficient textures in terms of social participation in urban regeneration with VIKOR model showed that Javadiyeh and Kargaran neighborhoods are in optimal condition and Chahar Drakht and 17 Shahrivar neighborhoods are in semi-optimal condition and Tehdeh and Musa Ibn Jafar neighborhoods are in non optimal condition.

Keywords: social participation, regeneration, inefficient texture, Birjand city